

حکم استفاده از اسپرم و اوول اهدایی

نویسنده: غلامحسین مهدوی نژاد^۱

خلاصه:

نازایی از بیماری‌های رایج در جهان امروزیست و میلیون‌ها انسان از اینکه کانون خانوادگی آنها به جهت نداشتن فرزند بی‌صفاست رنج می‌برند. علم پزشکی در صدد علاج برآمده و راه‌هایی برای درمان آن یافته است که یکی از آنها استفاده از اسپرم و اوول اهدائی است. با توجه به جدید بودن مساله، مردم مسلمان و پزشکان متعبد خواستار حکم شرعی آن بوده‌اند. بسیاری از علما این عمل را از نظر شرعی حرام می‌دانند و برای اثبات این نظریه از آیات و روایاتی که در رابطه با محدودیت روابط جنسی است استدلال می‌نمایند.

در این تحقیق بعد از توضیح نظرها و بیان استدلال‌هایی که برای این موضوع ارائه شده، اثبات می‌گردد که آن آیات و روایات ناظر به فحشا و دیگر اعمال ناروای اخلاقی اند که انگیزه آنها هوای نفس و خواسته‌های شیطانی است و نسبت به موضوع «استفاده از اسپرم و اوول اهدائی» هیچگونه دلالتی ندارند. از این رو به استناد آنها نمی‌توان حرمت این مساله را حتی به نحو احتیاط واجب ثابت کرد. و ادله عامه نیز چیزی را جز اولویت احتیاط ثابت نمی‌کنند که آنها با جواز منافاتی ندارد.

کلید واژه: حرمت، اسپرم، اوول، اهدا، روایات

مقدمه

یکی از آرزوهای دیرینه انسان داشتن فرزند است. قرآن کریم در سوره کهف آیه ۴۶، فرزند را زینت زندگی خوانده و در سوره فرقان، آیه ۴۷ برای بندگان خوب نور دیده معرفی کرده است. در سوره مریم آیه ۶-۳ از قول حضرت زکریا نقل می‌کند که دست نیاز به درگاه خداوند دراز کرد و عرضه داشت «خداوندا، فرزندی که وارث من و آل یعقوب گردد به من عطا فرما». در سخنان پیامبر اسلام (ص) فرزند میوه دل خوانده شده (۱) و

در احادیث دیگر فرزند صالح را گلی از گل‌های بهشتی (۲) و آن را از نشانه‌های سعادت آدمی شمرده است (۳).

فرزند صالح نه تنها در زمان حیات، بلکه بعد از مرگ پدر و مادر نیز موجب برکات است پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «حضرت عیسی (ع) از کنار قبری گذشت که صاحبش در عذاب بود، سال بعد که از کنار قبر گذشت روح او را غرق در نعمت دید و هنگامی که علت آن را از پیشگاه الهی جویا شد، جواب

آمد: ای عیسی، این فرد به خاطر ارتکاب گناه در عذاب بود ولی فرزندی داشت که در هنگام مرگ پدر کودک بود، در این فاصله او بزرگ شد، جاده‌ای را آباد کرد و یتیمی را پناه داد، لذا خداوند به پاس قدردانی از این فرزند گناه پدر گذشت و او را در نعمت قرار داد» (۴).

نازایی یک نقص فیزیولوژیکی است: خداوند هستی بخش چنین مقدر فرموده که باز دواج زن و شوهر، زمینه لقاح اسپرم و

بزرگوار
۵۲
زمستان
شماره ۴۷

شارع مقدس .

۱. آیات:

سوره نور آیه ۳۱ می فرماید: «به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند و دامان خود را حفظ کنند.» سوره مومنون آیه ۵ در توصیف مومنان می فرماید: (آنها که دامان خویش را حفظ می کنند مگر برای همسران یا کنیزان خود) سوره نساء آیه ۳۴ در توصیف زنان صالح آمده است: «در غیاب (همسران خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خداوند برای آنها قرار داده حفظ می کنند.»

بیان استدلال برای حرمت از آیات:

در آیه سوره نور و مومنون، متعلق حفظ ذکر نشده، یعنی بیان نشده که دامان را از چه چیزی حفظ کنند و حذف متعلق دلالت بر اطلاق و عموم دارد یعنی هر کاری که در این رابطه انجام شود حرام است، به استثنای اعمالی که دلیل بر حلّیت آن اقامه شده است و تلقیح مصنوعی استفاده از شرمگاه است به صورتی که دلیل بر جواز نداریم و اطلاق فرمان به حفظ این مورد را هم شامل می شود لذا باید گفت حرام است. در سوره مومنون هر چند خطاب متوجه مردهاست ولی مرد بودن خصوصیتی ندارد. در سوره نساء که فرمان حفظ حقوق داده است، موردی که اسپرم غیر همسر وارد رحم شود را نیز شامل است، زیرا با این کار حرمت همسر شکسته می شود.

۲. روایات:

الف: علی بن سالم از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: «بدترین عذابها روز قیامت از آن مردمی است که نطفه خود را در رحمی که بر او حرام است قرار می دهد» (۸).
 شیخ صدوق (ره) از قول پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود: «فرزند آدم بزرگترین

بودن قبل از ولادت، عواطف را بیشتر اشباع نموده و مشکل محرمت نیز بسیار کمتر است. لذا ضروری است بایک بررسی دقیق در قرآن و روایات، دیدگاه شرع مقدس نسبت به آن نیز روشن گردد.

روش کار:

در این پژوهش که در صدد تبیین حکم فقهی یکی از مسائل مبتلا به در جامعه پزشکی است با مراجعه به قرآن کریم و منابع معتبر روایی، آیات و روایاتی که به نحوی با موضوع مورد بحث در ارتباط بوده استخراج شده است، آیات از جهت دلالت و روایات از جهت سند و دلالت مورد مطالعه و دقت قرار گرفته اند و مقدار دلالت آنها مشخص شده و حاصل مطالعات در دو بخش ارائه گردیده شده است. به جهت مراعات اختصار فقط به محل شاهد از آیات و روایات بسنده شده است.

بخش اول

طرح مساله:

آیا استفاده از اسپرم غیر همسر برای بارور کردن تخمک بوسیله تلقیح مصنوعی از نظر شرعی جایز است یا نه؟

روشن است که این مساله در زمان پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) به هیچ وجه مطرح نبوده و تحقیق نشان می دهد که نص خاصی در این باره وجود ندارد. اما در آیات و روایات عموم هایی موجود است که منشا حکم به حرمت از سوی بسیاری از فقهای عظام شده است (۷)، برای رسیدن به حقیقت لازم است همه دلایل مورد مطالعه و دقت قرار گرفته و دلالت آنها بر مدعا ارزیابی شود و در نهایت حکم مساله مشخص گردد.

دلیلهایی که مورد استفاده قرار گرفته عبارت است از آیات، روایات و احتیاط های

اول فراموش آید و از این نطفه انسانی پا به عرصه وجود بگذارد و برای دستیابی به این هدف، نیاز مندی های مادی و معنوی و حتی گرایش های غریزی او را تامین کرده است. اراده خداوند بر این است که همه کارها بر مجرای طبیعی خویش سیر کند و هر پدیده از علت و سبب ویژه خود پدیدار گردد (۵). بدیهی است که اگر ابزار ناقص و علت تامه نباشد، ثمره و نتیجه حاصل نمی شود. در این مساله نیز اگر به هر دلیلی لقاح از راه طبیعی میسر نشود، زمینه برای تمام شدن علت فراهم نیست و در نتیجه زوجین از نعمت فرزند محروم می شوند و در صدد درمان بر می آیند.

درمان نازایی:

اقدام برای علاج این بیماری از گذشته های دور متداول بوده است و حتی در آثار دانشمندان متعددی چون بو علی سینا دستور العمل هایی به چشم می خورد (۶). انسان ها اگر از علاج ناامید می شدند به فکر فرزند خواندگی می افتادند تا برای عواطف خویش جایگاهی بیابند این عمل هر چند در آغاز آسان می نماید اما با بزرگ شدن بچه، نامحرم بودن او بایکی از ابوین شیرینی اولیه را از بین می برد.

علم پزشکی جدید راه های موثری پیش پای انسانها نهاده، از آن جمله استفاده از اسپرم های اهدایی است. برای بارور کردن تخمک زنی که از سلامت برخوردار است و یا عاریه گرفتن تخمک توسط زنی که مشکل دارد و سپس اقدام برای عمل لقاح با اسپرم همسرش. امروز در بسیاری از کشورها مراکزی برای ارائه این خدمات وجود دارد و این شیوه درمان به جهت جواب دادن خوب، مورد قبول بسیاری از پزشکان و متخصصان مربوطه قرار گرفته است، این روش به جهت ارتباط ژنتیک بچه بایکی از زوجین و در اختیار

گناهی که مرتکب شده عبارت است از کشتن پیامبر یا امام یا خراب کردن کعبه که قبله مسلمانان است یا اینکه آب (منی) خود را در رحمی که بر او حرام است بریزد. «(۹).
 (ج) اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: «زنا و شرب خمر یکسان هستند»، ولی از آنجایی که زنا سبب می شود تا نطفه ضایع گردد و در غیر جایگاهی که خداوند امر فرموده قرار گیرد حد آن زیادتر است» (۱۰).

بیان استدلال برای حرمت از روایات:

در روایت اول به نطفه تعبیر شده و روایت دوم به آب، مراد در هر دو منی است، و دلالت دارند بر اینکه حرام است منی مرد در رحم غیر همسرش قرار گیرد. روایت سوم صریح است در اینکه ریختن آب منی در رحم حرام سبب اضافه شدن حد و گناه است. این روایات دلالت دارند بر اینکه منی مرد فقط در رحم همسر قانونی اش می تواند قرار گیرد و اگر در غیر آن قرار گیرد حرام است. روایات مقید به آمیزش نکرده اند و از این جهت اطلاق دارند لذا مورد تلقیح مصنوعی را نیز شامل می شوند.

۳. احتیاط شارع:

شارع دقت و احتیاط زیادی در مسئله زناشویی و حفظ نسل دارد و روایات زیر بر آن گواه است:

۱- صحیحیه شعیب بن حداد که در آن امام صادق (ع) می فرماید: «در مساله ازدواج که سبب آمیزش و تولد فرزند است ما احتیاط می کنیم» (۱۱).

۲- در روایت مسعده بن زیاد از امام باقر (ع) در رابطه با ازدواج آمده است که آن حضرت (ع) فرمود: «توقف در شبهات بهتر از وقوع در هلاکات است» (۱۲).

۳- روایت علاء بن سیّابه که در آن امام صادق (ع) می فرماید: «در مساله ازدواج که در آن آمیزش و سبب تولد فرزند است احتیاط لازم است» (۱۴).

این روایات می فهمانند در مسئله مورد بحث که مربوط به تولد فرزند است احتیاط واجب است و استفاده از اسپرم غیر همسر جایز نیست، مخصوصاً در روایت «علاء بن سیّابه» که امام (ع) حکم قبلی را فاسد و ظالمانه خوانده است.

ارزیابی دلالت دلیل ها:

دقت در دلایل گذشته روشن می کند که این دلایل برای اثبات مدعا کافی نیست و نمی توان به استناد آنها حکم به حرمت نمود. در آیات، اساس استدلال روی کلمه محذوف استوار است که ادعا شده محذوف باید لفظی عام و مطلق باشد! این یک ادعای بی دلیل است، زیرا همیشه مجوز حذف، قرائن موجود در کلام می باشد و محذوف از جهت دلالت و حد دلالت که عام باشد یا خاص، مطلق باشد یا مقید، تابع قرائن موجود است. در آیات مورد بحث روشن است که مراد حفظ شرمگاه از اعمالی است که نوع آن پیش شنوندگان معهود بوده، یعنی آیه می گوید: این اعمال والتذاذها فقط در دایره ازدواج یا ملک یمین جایز است نه به صورت فحشا و بی بندوباری. و با وجود این قدر متیقن در مقام تخاطب (۱۴). ادعای اطلاق وجهی ندارد، و هیچ گاه نمی توان عمومی از آن فهمید که تلقیح مصنوعی را شامل شود. اضافه بر این در آیه دوم اگر بفرض بپذیریم که آیه دلالت بر عموم دارد باید بگوییم در بعضی از صور می توان از آن استفاده جواز کرد، زیرا نمی توان گفت در مستثنی منه عموم و اطلاق است اما در مستثنی خاص و مقید مراد است.

توضیح:

اگر گفته شود جمله «لفر و جهم حافظون» دارای عموم و اطلاقی است که مورد تلقیح مصنوعی را هم شامل می شود باید این عموم و اطلاق در جمله «الا علی ازواجهم» نیز جاری باشد که جمله مستثنی است، و دلالت کند که تلقیح بوسیله زوج اگر صورت گیرد با اسپرم غیر همسر جایز است، یعنی باید عورت خود را حفظ کند از هر کار و هر چیزی جز بر همسر که هیچگونه حفظی لازم نیست، حتی ادخال منی غیر.

البته مدعا این نیست که آیه جواز را ثابت می کند بلکه لازمه ادعای عموم و اطلاق اثبات جواز است، و الا به نظر دقیق آیه در مورد عمل زناشویی است و نسبت به مسائل دیگر ساکت و در مقام بیان نیست (۱۵). و در آیه سوم که دلالت بر حفظ حریم زوج دارد هیچگاه نمی توان از آن ثابت کرد که اگر منی غیر همسر توسط زوج یا با رضایت وی تلقیح شود یا اصلاً در مورد زنی که شوهر ندارد حرام است بلکه مراد از آیه شریفه، توجه بیشتر زنان به عفت و پاکدامنی در غیاب همسران می باشد. اضافه بر همه اینها، روایاتی داریم که هر جادر قرآن سخن از حفظ فرج است، مراد زنا است مگر در آیه ۳۱ از سوره نور که مراد حفظ از نگاه حرام است (۱۶). که این روایات دلیل دیگری برای بی اعتبار بودن ادعای دلالت آیه ها بر حرمت تلقیح مصنوعی به کمک اسپرمهای اهدایی است.

اما روایات:

استدلال به روایات نیز تمام نیست البته نه از باب ضعف سند، هر چند که از نظر سند نیز قابل خدشه اند (۱۷). بلکه روایات نیز همانند آیات شریفه نظر به مفاسد موجود داشته اند و به تعبیر دیگر از زنا نهی کرده اند و اصلاً در مقام بیان حکم مساله مورد بحث

نیستند.

روایت اول کلمه «اقرار» و روایت دوم تعبیر «افراغ» دارد که آن را به صاحب نطفه نسبت داده اند، متداول این کار و قدر متیقن آن، به وسیله آمیزش است و وجود همین قدر متیقن در مقام تخاطب مانع اطلاق است. نکته دیگر اینکه عذاب و عده داده شده در روایت‌ها متوجه کدام یک از دست اندرکاران می‌تواند باشد؟ آیا متوجه پزشکی است که با یک عمل انسانی به تقاضای یک مسلمان بدون هیچگونه غرض شیطانی جامه عمل پوشانده یا متوجه شخصی که اسپرم اهداء کرده است؟! هیچکدام را نمی‌توان در این حد خطاکار شمرد.

روایت اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) در مقام بیان حکمت است نه علت، لذا هیچ فقیهی در صورت عزل در زنا، سقوط بیست ضربه از حد را مجاز ندانسته و گفته اند در هر صورت باید زانی یکصد ضربه شلاق بخورد. همچنین از سؤال راوی فهمیده می‌شود که مساله اهمیت زنا و شرب خمر مطرح بوده و امام (ع) می‌خواهد قبح این ارتباط نامشروع را متبلور سازد و الا هر تزییع منی که حرمت ندارد، چون همه مراجع اجازه عزل داده اند. مضافاً بر اینکه قیاس انتقال منی از طریق زنا با مسئله تلقیح مصنوعی (انتقال اسپرم از طریق پزشکی) و همسنگ قرار دادن این دو، سخنی ناصواب است، مسائل و پیامدهایی که زنا و رواج آن دارد، جاذبه‌های شیطانی که در آن موجود است، مشکلاتی که فرزند زنا در پی خواهد داشت، هرگز در تلقیح مصنوعی یافت نمی‌شود. لذا اگر بپذیریم که وجه بیان شده علت و قیاس نیز حجت است نمی‌توان حکم روی زنا را منتقل به این مساله نمود.

اما دلیل سوم:

(یعنی روایاتی که دستور احتیاط در مساله

زناشویی داده اند)

اگرچه بعضی از آنها از نظر سند معتبرند ولی نمی‌توانند مدعا را ثابت کنند، زیرا احتیاط امام (ع) در مساله ای اعم از وجوب احتیاط است، مخصوصاً در حالتی که قرینه ای هم باشد مثل صحیحه (شعیب) که بنابر قاعده «الزام» باید آن از دواج جایز باشد (۱۸). لذا باید گفت احتیاط استحبابی است. در روایت علاء بن سیاب که امام علیه السلام حکم را ظالمانه و فاسد و ستور احتیاط داده است می‌تواند قرینه ای برای وجوب احتیاط در مورد زناشویی و عقد از دواج باشد ولی نمی‌تواند دلیل برای وجوب احتیاط در یک کاری باشد، که اصلاً مورد توجه و نگاه سوال کننده و پاسخ دهنده نبوده است و اگر امام به مساله تولد فرزند اشاره می‌کنند این امر یکی از لوازم ازدواج است. طبیعی است که باید احتیاط شود، نه ولادت فرزند به هر صورتی که باشد حتی با استفاده از اسپرم اهدایی و تلقیح مصنوعی.

نکته قابل توجه اینکه صادر کنندگان حکم نیز بنابر اظهار راوی افراد لاابالی نبودند بلکه می‌خواستند احتیاط کنند امام (ع) راه احتیاط را نشان می‌دهد و می‌فهماند: اینکه ادعا شده در معاملات عوض است ولی در ازدواج نیست حرفی نادرست است، بلکه با عقد ازدواج حق همخوابگی و تولد فرزند پیدا میشود که در واقع نوعی عوض است. و این حکم ظالمانه است که کار وکیل را بی اثر بدانند و زنی که در عقد مردی است، حکم به جدایی او کنند. بلکه اینجا جای احتیاط بیشتری است و این مرد باید حق داشته باشد از این همسر استفاده کند از او صاحب فرزند شود. و نایا اینکه باید احتیاط کرد و برای جدایی حتماً اطلاق را لازم دانست. علی ای حال نمی‌توان حکم مساله مورد بحث را از آن استفاده کرد. چون روایت چنین اطلاق

و عمومی ندارد که هر جا تردید شد در جواز انعقاد نطفه به استناد آن حکم به حرمت یا وجوب احتیاط بشود.

اما روایت مسعده بن زیاد سخن امام (ع) در شبهه موضوعیه است و بحث ما در شبهه حکمیه است که اجرای برائت در شبهه حکمیه مورد توافق است و مورد روایت به بحث ما ارتباطی ندارد. اما قانون کلی «وقوف عند الشبهه» حرف درستی است اما دلالتی بر وجوب مطلق احتیاط ندارد و حداکثر دلالت آن احتیاط استحبابی است که با جواز منافات ندارد.

بخش دوم:

استفاده از تخمک اهدائی:

اگر مشکل نازائی از جانب زن باشد مانند موردی که زن اصلاً تخمک ندارد آیا جایز است از تخمک زن دیگری استفاده کند یعنی او اول آماده را از زن دیگری گرفته و در رحم وی قرار دهند تا بوسیله اسپرم همسرش بارورشود؟

تخمکی که در رحم زن نازا قرار می‌گیرد ممکن است متعلق به زن دیگری که در عقد شوهر اوست باشد یا متعلق به یک زن اجنبی باشد. البته حکم مساله نسبت به زن یکی است و وجهی برای حرمت و منع وجود ندارد همانطور که گذشت آیات و روایاتی که فرمان حفظ شرمگاه می‌دهند از این گونه موارد منصرف هستند.

اما نسبت به مرد در صورتی که تخمک متعلق به زنی باشد که به جهت عقد دائم یا موقت با مرد محرم است از جهت ایجاد لقاح نیز مشکلی نیست زیرا اسپرم و اوول زن و مردی که با هم حلال بوده اند در رحمی که آنها برای مرد مباح بوده تلقیح شده است و هیچ دلیلی بر منع وجود ندارد و احتمال



بدوی حرمت نیز با اصل برائت منتفی است. اما در صورتی که اوول از آن زنی باشد که نسبت به مرد اجنبی است ممکن است گفته شود برای مرد جایز نیست چون اسپرم خود را روی تخمک حرام می ریزد و در این صورت زن نیز که زمینه ساز این کار است و معاونت بر این امر دارد مرتکب خلاف شده است.

حق این است که در این مورد نیز وجهی برای حرمت نیست، زیرا هیچ دلیلی بر اینکه ترکیب تخمک و اسپرم اجنبی حتی در آزمایشگاه حرام است وجود ندارد. در آیات و روایات نیز گفته شد که همه منصرف به مورد زنا و اعمالی از این قبیل بود. و روایتی که ریختن منی در رحم حرام را ممنوع می دانست اگر به فرض گفته شود که استفاده از اسپرم اجنبی را شامل است بحث از آن در بخش پیشین گذشت و اثبات شد که شامل نیست - بی شک این جا را شامل نیست - چون رحمی که مرد از آن استفاده می کند حرام نیست و وجود یک تخمک اجنبی در آن نمی تواند سبب حرمت ادخال اسپرم مرد به رحم همسر قانونی خود باشد.

ادعای اینکه احتمال دارد مراد از رحم (مافی الرحم) یعنی تخمک باشد - به صورت استعمال مجازی - صرف نظر از غلط بودن این استعمال، به جهت عدم توجه مخاطبین به این قرینه (اصاله الحقیقه) این احتمال را منتفی می نماید.

نتیجه گیری:

از مطالب گذشته بدست آمد که دلیلی شرعی بر حرمت استفاده از اسپرم یا اوول اهدائی برای فرزنددار شدن وجود ندارد و آیات و روایات مورد ادعا نیز دلالت بر حرمت ندارند هر چند بصورت یک حکم استجابی ترجیح در ترک است، اما اگر کسی به این روش اقدام کرد مرتکب خلاف شرعی

نشده است.

توصیه های لازم:

مشورت کنند و می نویسند: برای زوجی که تصمیم گرفته اند از این طریق پدر و مادر شوند این تصمیم برای تلقیح مصنوعی از یک دهنده می تواند مشکلات روانی ایجاد کند به همین دلیل بایستی تمام جنبه های تلقیح مصنوعی از یک دهنده را بطور مفصل با هر دو طرف، مورد بحث قرار داده و در مورد واکنش آنها در مورد تربیت فرزندی که قرار است در اثر تلقیح بوجود آید تحقیق نمود. به علت مسائل پیچیده روانی مربوط به تصمیم گیری، یک پزشک عامل، باید توصیه کند که در این مورد با یک روانپزشک و یا یک مددکار اجتماعی مشورت شود تا احساسات بیمار را در مورد این عمل و فرزندی که باید بوجود آید جویا شوند (۱۹). بحث را با یک خبری که در روزنامه های اخیر منعکس شده است پایان می دهیم.

به گزارش خبرگزاریها فرزندان که از طریق اهدای اسپرم به دنیا آمده اند با ورود به سن رشد به دنبال کسب حقوق انسانی خود و یافتن پدران زیستی شان بر می آیند که این مورد یکی از دهها مشکل این قبیل فرزندان است. روزنامه «پراوینس» نوشت:

«شلی کروتز» دختر ۱۹ ساله کانادائی که به همین ترتیب متولد شده تصمیم گرفته است درباره مساله ای که از یک نسل پیش تاکنون تنها در بایگانی های بیمارستان ها و مراکز بهداشتی کشورهای غربی پنهان مانده، لب به سخن بگشاید. «کروتز» اوایل هفته جاری در اولین همایش در زمینه حقوق کودکانی که از طریق اهدای اسپرم به دنیا می آیند در «تورنتو» سخنرانی کرد و از دولت خواست قانونی راتصویب کند که به کودکان موسوم به «دی.آی» که از طریق اسپرم به دنیا

می آیند اجازه دهند با دسترسی به بایگانی، اهدا کنندگانی که در تولد آنان نقش داشته اند را بشناسند. تمام اطلاعاتی که «کروتز» پس از چهار سال جستجو به دست آورد این است که پدر زیستی او یک دانشجوی پزشکی بیمارستان عمومی ونکوور بوده است. او قصد دارد بداند آیا این مرد به عنوان مثال سابقه بیماری قلبی یا دیابت داشته است یا خیر؟ و مهمتر آنکه یک روز به طور تصادفی با این فرد اهداکننده ازدواج نکند چرا که شنیده است برخی از اهداکنندگان پدر زیستی صدها کودک می باشند. از سوی دیگر کششهای عاطفی در او رشد کرده و او می خواهد بداند این اهدا کننده چه شکلی است و از چه خصوصیات اخلاقی برخوردار است. «کروتز» در رحم مادری تنها پرورش یافته که از طریق دریافت اسپرم اهدائی آبستن شده بود. مادری ضمن عشقی که به فرزند داشته، نمی خواسته شوهر داشته باشد و ازدواج کند. به نظر می رسد گردانندگان بانکهای اسپرم در کشورهای نظیر کانادا در خصوص عواقب ناگوار عاطفی و روحی متولدین این روش تعمق کافی نکرده اند و هنوز هم درباره کار خود تبلیغ می کنند (۲۰).

تذکر:

همه عزیزانی که این مقاله را مطالعه می کنند توجه دارند که نتیجه این تحقیق گامی در جهت تبلور بیشتر مساله برای کارشناسان است و نمی تواند ملاک عمل برای افراد باشد، در صورت نیاز هر مقلد باید فتوای مرجع تقلید خویش را یافته و از آن پیروی کند.

منابع:

قرآن کریم

- ۱- ری شهری، محمدی، میزان الحکمه، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۵ هـ. ق ۱۳۶۳ هـ - ش ج ۱۰ ح ۲۲۳۰۸.
- ۲- همان، ح ۲۲۳۳۵
- ۳- همان، ح ۲۲۳۳۶
- ۴- همان، ح ۲۲۳۴۱
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، تابستان ۱۳۶۳ هـ. ش. ج، ص ۱۸۳، ح ۷.
- ۶- بوعلی سینا، قانون در طب، کتاب سوم، فن بیست و یکم ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰ هـ. ش.
- ۷- روحانی، م و نوغانی، ف، احکام پزشکی، چاپ اول، موسسه فرهنگی انتشاراتی تیمور زاده، تابستان ۱۳۷۶ هـ. ش.
- ۸- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم، تحقیق موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۲۰، ب ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۵۷۱۷.
- ۹- همان، ج ۲۰، ب ۴، ص ۳۱۸، ح ۲۵۷۱۸.
- ۱۰- همان، ج ۲۰، ب ۲۸، ص ۳۵۲، ج ۲۵۸۰۷.
- ۱۱- همان، ج ۲۰، ب ۱۵۷، ص ۲۵۸، ح ۲۵۵۷۲.
- ۱۲- همان، ج ۱۹، ب ۲، ص ۱۶۳، ح ۲۴۳۹۶.
- ۱۳- همان، ج ۲۰، ب ۱۵۷، ص ۲۵۹، ح ۲۵۵۷۴.
- ۱۴- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، بحث مطلق و مفید، و مقدمات حکمت، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- ۱۵- همان، مقدمات حکمت
- ۱۶- العروسی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، قم، دارالکتب العلمیه، ج ۳، ص ۵۸۷ ۵۸۸.
- ۱۷- سبحانی، ج، موسوعه الرجالیه، چاپ اول، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۹ هـ. ق.
- ۱۸- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم، تحقیق موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۲۲، ص ۷۲.
- ۱۹- پروفیسور جان شین، پیشگیری و درمان نازایی، ترجمه دکتر سعید ناظم و مهندس حبیب اله ناظم و دکتر ناصر ناظم، چاپ دوم، موسسه انتشارات بعثت، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۳۳.
- ۲۰- روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۲۷/۷/۷۹۵، شماره ۶۱۳۷ ص ۵.